

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



بنامر خالق بی هممتا

آموزش و پرورش ناحیه یک شهرستان سنندج

تحلیل درس هجدهم ، فصل هشتم ، فارسی پایه یازدهم

تدوین : رویا غفوری دبیر ادبیات فارسی



۸ ادبیات جهان

درس هفدهم: خاموشی دریا

کارگاه متن پژوهی

گنج حکمت: تجسم عشق



راهنمای تامل





درس هفدهم

خاموشی دریا

از شعله
به خاطر روشنائی اش
سپاسگزاری کن،
اما چراغدان را هم
که همیشه صبورانه در سایه می ایستد،
از یاد مبر.

فلمرو رمانی چراغدان: جایی یا ظرفی که در آن چراغ بگذارند.

فلمرو ادبی شعله «نماد» نیکوکاری و بخشندگی / چراغدان «نماد» انسان های بخشنده و بی ادعا ❖ تکرار صامت های «ر» و «س»: واج آرایی
شعله، روشنائی، چراغدان: مراعات نظیر ❖ «سپاسگزاری از شعله» و «صبورانه ایستادن چراغدان»: استعاره (تشخیص)

فلمرو فکری از انسان هایی که مانند شعله نیکوکار و بخشنده اند سپاسگزاری کن اما تشکر از انسان هایی که مانند چراغدان بدون خودنمایی و ادعا
نیکوکاری می کنند، فراموش نکن. (مفهوم: قدردانی از بخشندگان / سپاس از زمینه سازان بخشندگی)

درس هفدهم

خاموشی دریا

گریه کنی اگر
که آفتاب را ندیده‌ای
ستاره‌ها را هم
نمی‌بینی.

قلمرو زبانی: ندیده‌ای: ماضی نقلی / نمی‌بینی: مضارع اخباری ♦ آفتاب، ستاره: مفعول

قلمرو ادبی: آفتاب ♦ استاره ♦ از ♦ نعمت‌ها و بزرگی‌ها (جایگاه خوب و موقعیت مطلوب) / ستاره‌ها ♦ استاره ♦ از ♦ نعمت‌ها و درخشش‌ها (مقام و

موقعیت کوچک‌تر ولی قابل دسترس) ♦ گریه کردن ♦ کنایه ♦ از ♦ اظهار ناراحتی و نارضایتی و شکایت (شکایت و ناخرسندی)

قلمرو فکری: اگر گریه، ناله و شکایت کنی که آفتاب و عظمت و نعمت‌هایش را ندیده‌ای و ناشکری کنی، دیگر ستاره‌ها و درخشش آنها را نمی‌بینی.

(مفهوم: گله و ناسپاسی از نرسیدن به جایگاه بلند موجب بازماندن از موقعیت‌های کوچک‌تر می‌شود.)

درس هفدهم

خاموشی دریا

ماهی در آب خاموش است و
چارپا روی خاک هیاهو می کند و
پرنده در آسمان آواز می خواند.
آدمی،

اما

خاموشی دریا و
هیاهوی خاک و
موسیقی آسمان را در خود دارد.

خاموشی دریا

فلمرو زبانی خاموش: ساکت / چارپا: چاروا، مَرکَب سواری، هر حیوان چهار دست و پا / هیاهو: هنگامه، غوغا، سروصدا، بانگ و فریاد ❁ هیاهو،

آواز، خاموشی: مفعول

فلمرو ادبی ماهی ❁ نماد سکون و آرامش / چارپا ❁ نماد حرکت و زندگی / پرنده ❁ نماد آزادی و رهایی ❁ خاموشی ماهی، خاموشی دریا،

هیاهوی خاک: استعاره (تشخیص) ❁ دریا ❁ مجاز از ماهی / خاک ❁ مجاز از چارپا / آسمان ❁ مجاز از پرنده ❁ خاموشی، هیاهو: تضاد

فلمرو فکری بعضی از موجودات عالم هستی مانند ماهی سخن نمی‌گویند، بعضی از آنها مانند چهارپایان در خروش و هیاهو هستند و گروهی نیز مانند

پرنندگان آواز می‌خوانند. اما انسان تنها موجودی کامل و شگفت‌انگیز است که از تمام این ویژگی‌ها برخوردار است. (مفهوم: کمال و استقلال انسان در

آفرینش / اشرف مخلوقات بودن انسان)

درس هفدهم

خاموشی دریا

هنگامی که

در فروتنی،

بزرگ باشیم،

بیش از همه به آن بزرگ نزدیک شده‌ایم.

فلم‌رو زبانی: فروتنی: افتادگی، تواضع، خضوع

فلم‌رو ادبی: بزرگ: تکرار ♦ تکرار صامت «گ»: واج آرایی ♦ «بزرگ» هم‌باز از خداوند

فلم‌رو فکری: هنگامی که در اوج تواضع و فروتنی باشیم (با فروتنی به انسان بزرگی تبدیل شویم)، بیشتر از هر کسی به خداوند بزرگ نزدیک شده‌ایم.

(مفهوم: عزتمندی در تواضع و فروتنی / تواضع موجب کمال و رسیدن به خدا)

درس هفدهم

خاموشی دریا

ممکن

از ناممکن می پرسد:

«خانه‌ات کجاست؟»

پاسخ می آید:

«در رؤیای یک ناتوان.»

ماه نو و مرغان آواره، رابیندرانات تاگور

فلمرو (زبانی) رؤیا: آنچه انسان در خواب ببیند.

فلمرو ادبی ممکن، ناممکن: تضاد «پرسیدن ممکن» و «پاسخ دادن ناممکن»: استعاره (تشخیص) «تکرار صامت «ن»: واج آرایی

فلمرو شعری ممکن از ناممکن می پرسد: خانه تو کجاست؟ (ناممکن چگونه و کجا به وجود می آید؟) ناممکن پاسخ داد که خانه ناممکن در افکار و

رؤیای انسان‌های ناتوان است. (ناممکن با انسان ناتوان ارتباط دارد.)

(مفهوم: ناممکن بودن هر چیز در نزد انسان ناتوان / ممکن بودن هر چیز در نزد انسان توانا / نگرش ناتوانی و ضعف)

درس هفدهم

خاموشی دریا



دانش های زیبایی درس هفدهم



ج) در صفت

دانش های زیبایی درس هفدهم

در درس های گذشته (درس ۸) تا حدودی با قید آشنا شدیم و دانستیم که قید از اجزای فرعی جمله است که فعل به آن نیاز ندارد، اما برای کامل

کردن جمله به کار می رود.

به جمله های زیر دقت کنید:

- او به مدرسه آمد.

- من صبح را خیلی دوست دارم.

- او صبح به مدرسه آمد.

- او هرگز دروغ نمی گوید.

- او هرگز دروغ نمی گوید.

دانش های زیبایی درس هفدهم

همان طور که می بینید واژه «صبح» در جمله دوم نقش اصلی (مفعول) را گرفته است اما در جمله سوم «صبح» قید است و می توانیم آن را حذف کنیم زیرا فعل جمله به آن نیاز ندارد؛ به واژه هایی مثل «صبح» که در یک جمله قید و در جمله دیگر نقش دیگری می گیرند «قید مشترک با اسم یا صفت» می گویند.

اما در جمله چهارم واژه «هرگز» در هر شرایطی و هر جمله ای نقش قید دارد؛ به این قیدها «قید مختص» می گویند.

دانش های زیبایی درس هفدهم

۲- واژه‌هایی که پیشوند قیدساز دارند؛

مثال: به تدریج، به ظاهر، به طور دقیق، به سرعت، به کندی، به تندی، از قضا، در زمان (فوراً)

۳- قیده‌های مختص بی‌نشانه که همواره نقش قید دارند و هیچ نشانه قیدی (تنوین یا پیشوند قیدساز) ندارند؛

مثال: هرگز، ناگهان، همیشه، همواره، هنوز، فقط، بالآخره، سپس، انگار، خیلی، البته، بله، خیر، آیا، چرا، متأسفانه، خوش بختانه،

بدبختانه و ...

دانش های زیبائی درس هفدهم

قیدهای مشترک: قیدهایی هستند که همیشه نقش «قید» ندارند بلکه گاهی قید و گاهی نقش دیگری دارند و به دو دسته کلی تقسیم می شوند.

الف) قیدهای مشترک با صفت

این نوع از قیدها در اصل صفت هایی هستند که گاهی در نقش قید به کار می روند و گاهی در نقش صفت.

مثال: او زیبا می نویسد. ← او توپ زیبا را از من خرید.

قید صفت

- صدای آرام مادرم، مرا بیدار کرد. ← مادرم آرام مرا بیدار کرد.

صفت قید

- لباس های بچگانه خیلی زیبا هستند. ← او با مادرش بچگانه حرف می زد.

صفت قید

- همه خوب می دانند که گاج ناشر موفقی است. ← همه سعی می کنند ناشر خوب گاج را بشناسند.

صفت

قید

دانش های زیبایی درس هفدهم

ب) قیدهای مشترک با اسم

این نوع از قیدها در اصل اسم هایی هستند که گاهی نقش قید و گاهی نقش های دیگر اسم (نهاد، مفعول، مسند، متمم، مضاف الیه و...) را می پذیرند.

مثال: فردا به دیدن شما می آیم.

قید

- به فردا می اندیشم.

متمم

دانش های زبانی درس هفدهم

– بهترین روز من ، فردا است .

مسند

– فردا چهارشنبه است .

نهاد

– فردا را فراموش نخواهید کرد .

مفعول

– کار فردا را می دانم .

مضاف الیه

درس هفدهم

کارگاه متن پژوهی

قلمرو زبانی

۱ با توجه به رابطه معنایی «تضمّن»، جاهای خالی را پر کنید.

• دریا و آب

• فصل و سال

۲ نوع «واو» (عطف، ربط) را در بند سوم درس مشخص کنید.

بند سوم درس: «ماهی در آب خاموش است و چارپای روی خاک هیاهومی کند و پرنده در آسمان آوازی خواند. آدمی، اما خاموشی دریا و هیاهوی

خاک و موسیقی آسمان را در خود دارد.» ← «واو»های اول و دوم: ربط (پیوند) / «واو»های سوم و چهارم: عطف

درس هفدهم

کارگاه متن پژوهی

قلمرو زبانی

۳ جمله‌های زیر را بخوانید:

الف) طبیعت، زیبا است.

ب) طبیعت، زیبا آفریده شده است.

حذف واژه «زیبا» از کدام جمله، نظم دستوری و معنایی جمله را برهم می‌زند؟
مشاهده می‌کنید که جمله «الف» پس از حذف واژه «زیبا» از نظر اجزای دستوری جمله، ناقص و ناکامل می‌شود؛ چون «زیبا» مسند جمله و از اجزای اصلی آن است ولی جمله «ب» پس از حذف «زیبا» همچنان کامل است؛ چون «زیبا» در این جمله، قید است و حذف آن نقصی در ساختار دستوری جمله ایجاد نمی‌کند.

درس هفدهم

کارگاه متن پژوهی

■ اکنون، هر یک از واژه‌های زیر را در دو جمله به گونه‌ای به کار ببرید که در جمله نخست، «مسند» و در جمله دیگر، «قید» باشد.

• خندان

ب) مادرم خندان به خانه آمد.

الف) مادرم در هر شرایطی خندان است.

• چگونه

ب) چگونه به تهران آمدی؟

الف) امتحان چگونه بود؟

درس هفدهم

کارگاه متن پژوهی

قلمرو ادبی

۱ دو نمونه آرایه «تشخیص» در متن درس مشخص کنید.

تشکر کردن از شعله / صبورانه ایستادن چراغدان در سایه / خاموش بودن ماهی / هیا هو کردن خاک / آواز خواندن پرنده / پرسیدن ممکن، پاسخ دادن ناممکن

۲ در متن درس، «آفتاب» و «ستاره»، در کدام مفاهیم استعاری به کار رفته اند؟

آفتاب ← استعاره از ← جایگاه های بلند و موقعیت های مطلوب

ستاره ← استعاره از ← مقام و موقعیت کوچک ولی قابل دسترس

درس هفدهم

کارگاه متن پژوهی

قلمرو فکری

۱ در بند نخست این سروده، منظور شاعر از «چراغدان» چه کسانی است؟

- کسانی که مبدأ و عامل بخشندگی یا کاری هستند.

۲ در بند سوم، بر چه موضوعی تأکید شده است؟

هریک از موجودات ویژگی‌های خود را مدیون بقیه هستند اما انسان مجموعه‌ای از ویژگی‌ها را در خود دارد.

درس هفدهم

کارگاه متن پژوهی

قلمرو فکری

۳ دربارهٔ ارتباط معنایی عبارت زیر، با متن درس توضیح دهید.

■ از آسمان تاج بارد اما بر سر آن کس که سر فرو آرد.
خواجه عبدالله انصاری

هنگامی که / در فروتنی / بزرگ باشیم / بیش از همه به آن بزرگ نزدیک شده‌ایم
کسی که فروتنی کند به خداوند نزدیک می‌شود.

۴ با توجه به بند پایانی، ویژگی مهم انسان توانمند چیست؟

ناامید نشدن و پیوسته در رؤیای توانمند بودن





جبران خلیل جبران



تهیه کننده: تیم هدهد

گوینده: فرناوش فیاض

درس هفدهم

کارگاه متن پژوهی

آنگاه برزیگری گفت: با ما از «کار» سخن بگو،
و او در پاسخ گفت:

من به شما می گویم که زندگی به راستی تاریکی است؛ مگر آنکه شوقی باشد،
و شوق همیشه کور است؛ مگر آنکه دانشی باشد،
و دانش همیشه بیهوده است؛ مگر آنکه کاری باشد،
و کار همیشه تهی ست؛ مگر آنکه مهری باشد.

شما را اگر توان نباشد که کار خود به عشق در آمیزید، و پیوسته بار وظیفه‌ای را
بی‌رغبت به دوش کشید،

زنهار، دست از کار بشوید؛

زیرا آن که بابی میلی، خمیری در تنور نهد، نان تلخی واستاند که انسان را تنها نیمه
سیر کند.

پیامبر و دیوانه، جبران خلیل جبران

کار، تجسم عشق است!

درس هفدهم

کارگاه متن پژوهی

فلمنوربانی / بزرگتر: بزرگتر، دهقان، کشاورز / شوق: آرزومندی، نیاز، رغبت و علاقه، نهایت آرزومندی و میل خاطر / تهن: بی ارزش،

خالی، بی برگ و بار / در آمیزید: مخلوط کنید، ترکیب کنید / زنهار: آگاه باش، امان و مهلت، پناه، زینهار، احتیاط، از این پرهیز،

بر حذر باش / واستاند: بازستاند، پس بگیرد / تجسم: در نظر آوردن، خیالی را واقعیت دادن.

درس هفدهم

کارگاه متن پژوهی

❖ **قلمرو ادبی** مانند کردن «زندگی» به «تاریکی»: تشبیه ❖ نسبت دادن صفت «کور» به «شوق»: استعاره (تشخیص) ❖ باروظیفه: اضافه تشبیهی

به دوش کشیدن ❖ کتابه ❖ از ❖ بردن، حمل کردن / دست از کار شستن ❖ کتابه ❖ از ❖ ترک کردن، تمام کردن، به پایان رساندن / خمیری در تنور نهد،

نان تلخی واستاند (عبارت تمثیلی) ❖ کتابه ❖ از ❖ عمل و عکس العمل (هر عملی عکس العملی دارد) / نیمه سیر کردن ❖ کتابه ❖ از ❖ ناقص بودن کار

خمیر، تنور، نان: مراعات نظیر

❖ **قلمرو فکری** (مفهوم: ارزشمندی شوق و دانش در کار / بیهودگی علم بدون عمل / تهی بودن عمل بدون عشق / توجه به رغبت در کار / کار کردن نشانه عشق)



جبران خلیل جبران

هیچوقت برای فهمیده شدن فریاد نزنید
آنکه شما را بفهمد
صدای سکوتتان را بهتر می شنود.



توپ تاپ

واژگان جدید درس هفدهم

برزیگر: برزگر، دهقان، کشاورز

چراغدان: جایی یا ظرفی که در آن چراغ بگذارند

واژگان املایی درس هفدهم

خاطر و یاد - سپاسگزاری و تشکر - چراغدان و آفتاب - صبورانه و آگاهانه - هیاهو و شلوغی - رؤیا و خیال - مجاهدان ایثارگر -

خاموشی دریا

نقص و عیب - خواجه عبدالله انصاری

برزیگر و کشاورز - شوق و ذوق - تهی و خالی - بار و وظیفه - بی رغبت و بی میل - زهار و هان - تجسم عشق

تجسم عشق

پایان